

استفاده می‌شود. در رابطه با مفهوم کلی، پروفسور بدران در دیکشنری حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشر را چنین تعریف کرده است:

«حقوق بین‌الملل بشر یا حقوق اساسی نوع بشر، عبارت است از مجموعه امتیازاتی که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است.» فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل بشر اعتلای این منزلت بوده است، تا با رعایت موازین آن در سرتاسر جهان همه افراد به صورت یکسان از این امتیازات بهره‌مند گردند. به بیان دیگر حقوق بین‌الملل بشر عبارت است از مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل که موجد حقوق و امتیازاتی برای انسانها در سطح جهانی و منطقه‌ای است. این نظام حقوقی متضمن یک سلسله قواعد حمایتی از حقوق و آزادیهای افراد و گروههای انسانی در سطح بین‌المللی است. هدف حقوق بین‌الملل بشر حمایت بین‌المللی عام یا خاص از حقوق بشر در قلمرو جهانی و منطقه‌ای می‌باشد. امروزه با تحول در مفهوم حقوق بشر این حقوق به عنوان حقوق میراث مشترک جهانی شناخته شده است. پروفسور مک دوال آن را حقوق بین‌الملل کرامت انسانی (International human dignity law) نامیده است.

مطالعه حقوق بین‌الملل بشر معمولاً در این زمینه‌ها صورت می‌گیرد: حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی که حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مداخله بشردوستانه است و بالاخره اقدامات بشردوستانه بین‌المللی که شامل کمکهای انسان دوستانه غیر نظامی است.

مطالب این موضوع سخنرانی را می‌توان به ۴ بخش اصلی تقسیم نمود:

۱. بررسی وضعیت موجود حقوق بین‌الملل بشر

الف. وضعیت قواعد موجود حقوق بین‌الملل بشر

بررسی وضعیت قواعد مستلزم بررسی موضوعات زیر است

سطح جهانی و در سطح منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر وجود دارد. تورم هنجاری از یک سو مسأله هماهنگی و پیوستگی را در زمینه حقوق مشابه پیش می‌آورد و از سوی دیگر خطر تعارض میان برخی از آن حقوق را که واقعی هم هستند گوشزد می‌کند.

الف - ۲. سلسله مراتب

آنچه واضح و مسلم می‌نماید این است که حقوق و آزادیهای بشری را نباید بر سلسله مراتب مبتنی کرد. قائل شدن به سلسله مراتب حقوق بشر بر یک قضاوت ارزشی استوار است و تا حدودی دارای خصوصیت ذهنی و تحول‌پذیری است، مگر در مواردی که به‌طور صریح در برابر جهانشمولی یا جهانی شدن قرار گیرد. علی‌رغم تأیید تقسیم‌ناپذیری اصل اعتبار یکسان حقوق بشر، کشورها کلیه حقوق و آزادیهای انسانی را در یک سطح نمی‌دانند. بررسی حقوق بین‌الملل موضوعه حاکی از آن است که برخی از آنها نسبت به برخی دیگر از اولویت برخوردارند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آنها را نقض نمود. به‌طور نمونه، بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ از حقوقی نام می‌برد که باید در همه جا و تحت هر شرایطی رعایت شوند و به هیچ وجه تخلف از آنها مجاز نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه در ۱۹۸۶ برای قواعد موجود حقوق مذکور ارزش و اعتبار خاصی قائل شده است. در همین مورد دیوان در نظریه مشورتی در قضیه مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در ۱۹۹۶ اعلام داشت بدون تردید تعداد زیادی از قوانین حقوق بشر دوستانه قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه برای احترام به فرد بشر و ملاحظات اولیه بشر دوستانه جنبه بنیادین دارد. به‌طور کلی رویه بین‌المللی حاکی از شناخت اولویت حقوق مدنی و سیاسی نسبت به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

در مجموع چنین به نظر می‌رسد که بتوان حقوق و آزادیهای بشر را به دو دسته تقسیم

نمی‌باشد. در نتیجه حقوق اساسی بشر مقدم بر انواع حقوق بشر است.

الف - ۳. اصل رعایت حقوق اساسی بشر و سایر حقوق بین‌الملل

اصول حقوق بین‌الملل یک سلسله قواعد هنجاری و بنیادی هستند که جنبه‌ی عامل‌شمول دارند و بعضاً به مرحله قاعده آمره ارتقاء پیدا کرده‌اند. برخی از اصول حقوق بین‌الملل با اصل رعایت حقوق اساسی بشر همسو بود و احتمال تقابل میان آنها وجود ندارد، مثل وفای به عهد و ... اما برخی دیگر از اصول حقوق بین‌الملل ممکن است بنا به مورد در تقابل با اصل رعایت حقوق اساسی بشر قرار گیرند. نمونه بارز این اصول، اصل احترام به حاکمیت و اصل عدم مداخله است. علی‌رغم مقررات صریح بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد که سازمان را از دخالت در مواردی که اساساً در قلمرو صلاحیت داخلی کشورهاست منع کرده و در واقع با این مقررّه تا حدود زیادی بر احترام بدون قید و شرط به هر دو اصل فوق‌مهر تأیید زده، اما امروزه جامعه بین‌المللی نمی‌تواند شاهد نقض آشکار حقوق بنیادین انسانی در یک کشور باشد. به قول کوفی عنان دبیر کل ملل متحد در اجلاس اخیر مجمع عمومی، کشورها نباید به بهانه داشتن حق حاکمیت در قلمرو خویش حقوق بشر را نقض کنند. از اینرو می‌توان اذعان نمود که بند ۷ ماده ۲ منشور دیگر شمولیت خود را از دست داده و سازمان ملل بویژه شورای امنیت با رویه مستمر و یکنواخت خود پا در قلمرو جدیدی گذاشته که تا دیروز در قلمرو انحصاری کشورها بوده است. مداخله بشر دوستانه تجلی بارز این تحدید حدود است. مداخله نیروهای ناتو در بحران کوزوو نمونه نمادین مداخله نامشروع به بهانه بشر دوستانه است. شورای امنیت اقدام مداخله گرایانه خود و یا تجویز به مداخله بشر دوستانه را تحت پوشش تهدید صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌دهد و بدین‌وسیله میان نقض حقوق بشر و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی پل ارتباطی ایجاد می‌کند.

الف - ۴. مسائل شکلی و پایانی قواعد موجود حقوق بین‌الملل بشر

است. به طوری که فرضاً تا اول ژوئیه ۱۹۹۸، ۱۴۰ کشور به میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ۱۳۷ کشور به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ۱۵۰ کشور به عهدنامه امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی ملحق شدند.

(۲) حق شرط در معاهدات

امروزه بسیاری از کشورها معاهدات مربوط به حقوق بشر را به دلیل عدم ممنوعیت انشاء حق شرط با حق شرط پذیرفته‌اند و این خود مانعی در راه جهانی شدن حقوق بشر ایجاد کرده است.

(۳) کناره‌گیری از معاهدات

در برخی از معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، در شرایط خاص اجازه کناره‌گیری به کشورهای عضو داده شده است (عهدنامه امحاء کلیه اشکال تبعیض نژاد)، اما در برخی از آنها مقرراتی در مورد کناره‌گیری وجود ندارد و البته منع هم نشده است (میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر). به موجب ماده ۵۶ عهدنامه حقوق معاهدات از معاهده‌ای که در آن کناره‌گیری پیش‌بینی نشده است نمی‌توان کناره‌گیری نمود، مگر مسلم شود که طرفین قصد داشته‌اند امکان کناره‌گیری را بپذیرند و یا حتی کناره‌گیری را بتوان از ماهیت معاهده استنباط نمود. در معاهدات مربوط به حقوق بشر قصد طرفین و ماهیت معاهدات به گونه‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان به مجوز کناره‌گیری از آنها حکم نمود.

۲. وضعیت نهادهای موجود حقوق بین‌الملل بشر

منظور از نهادهای موجود، سازمانهای بین‌الدول یا غیر دولتی هستند که وظیفه حمایت و اعتلای حقوق بشر را از طریق تهیه و تنظیم قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و عهدنامه‌ها و نیز مراقبت و نظارت بر اجرای حقوق بین‌الملل بشر و رسیدگی به موارد نقض آن در سطح جهانی و منطقه‌ای بر عهده دارند. اکثر نهادهای حقوق بشر تحت پوشش نظام ملل

مقام زن و بالاخره کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان. در سطح منطقه‌ای نیز ارگانهایی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر وجود دارند. همچنین امروزه بیش از ۱۲۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی، کمیسیون حقوق بشر را در امر رسیدگی به مسائل حقوق بشری یاری می‌دهند. از جمله می‌توان از سازمانهای عفو بین‌الملل، سازمان دیده‌بان حقوق بشر و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نام برد. بسیاری از سازمانهای بین‌المللی غیردولتی در چارچوب منشور ملل متحد و تصمیم شورای اقتصادی و اجتماعی به عنوان مشاور با این شورا همکاری می‌کنند.

۳. نسل سوم حقوق بشر

امروزه یکی از انواع تقسیمات حقوق بشر، تقسیم آن به حقوق نسل اول (حقوق مدنی و سیاسی) حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و حقوق نسل سوم (حقوق همبستگی) است. شاید بهتر باشد به جای واژه نسل سوم از واژه طبقه سوم استفاده شود. حقوق نسل سوم مجموعاً سه موضوع حق توسعه، حق زیستن در صلح و حق داشتن محیط زیست سالم را در بر می‌گیرد.

برخی از دانشمندان حقوق بین‌الملل، حقوق نسل سوم را حقوق همبستگی نامیده و معتقدند که این حقوق یک حقوق ترکیبی است، یعنی پیوند بسیار نزدیک میان حقوق بشر و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی برقرار می‌کنند. حقوق نسل سوم را می‌توان سرآغازی برای تحول در مفهوم حقوق بشر در آستانه قرن بیست و یکم دانست.

۲. موانع جهانی شدن حقوق بشر

به‌طور کلی موانع جهانی شدن یا جهان‌شمول شدن حقوق بشر را نمی‌توان در تأیید اصولی آن حقوق دانست، بلکه در اجرای مؤثر آن حقوق است.

سوسیالیستی ملهم از نظریه مارکسیستی حقوق بشر و نظریه اسلامی حقوق بشر و آقای کوفی عنان در سخنرانی که به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (۱۹/۹/۷۶) ایراد کردند، ضمن تأیید اصولی حقوق بشر جهانی به نوعی به موانع عقیدتی و فرهنگی در اجرای آن حقوق اشاره و تأکید کردند فقط در شرایطی که حقوق بشر به طور مساوی به مورد اجرا گذارده شود می توان آن را حقوقی قلمداد کرد که به طور جهانی مورد قبول قرار گرفته باشد. این حقوق را نمی توان به طور منتخب یا به گونه ای نسبی به اجرا گذارد.

ب. موانع سیاسی

متأسفانه برخورد گزینشی برخی از ارگانهای کنترل کننده و تضمین کننده حقوق بشر مانند کمیسیون حقوق بشر، مانعی عظیم در راه جهانی شدن حقوق بشر است. آقای کوفی عنان در سخنرانی سابق الذکر اشاره کردند که «حقوق بشر را نمی توان گزینه ای اجرا کرد و یا از آن به عنوان سلاحی برای تنبیه دیگران استفاده نمود، خلوص این حقوق اقتدار ابدی آن است.»

ج. موانع اقتصادی

موانع اقتصادی در راه جهانی شدن حقوق بشر یک واقعیت بسیار تلخ و تأسف بار است. کشورهای کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه که قادر نیستند نیازهای اساسی مردم خود از جمله خوراک، پوشاک، بهداشت اولیه و بیسوادی را تأمین و رفع نمایند چگونه می توانند زمینه اجرای حقوق بشر را فراهم کنند. در اینجا باید بر این نکته انکارناپذیر تأکید نمود که میان بالا رفتن سطح توسعه و تضمین حقوق بشر پیوندهای واقعی وجود دارد. از دیدگاه کشورهای در حال توسعه حقوق خلقها، مخصوصاً حق حاکمیت بر منابع طبیعی و حقوق بشر کاملاً وابسته به یکدیگرند.

این‌گونه معاهدات، دو مانع مهم فنی در راه جهانی شدن حقوق بشر هستند. علی‌رغم تعداد تصویب‌کنندگان بسیار بالا، در معدودی از معاهدات عام در زمینه حقوق بشر، اکثر آنها مورد استقبال چندانی از سوی کشورها قرار نگرفتند. عدم ممنوعیت حق شرط در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر باعث گردیده تا تعداد حق شرطها افزایش یابد. تعداد زیاد کشورهایی که نسبت به میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام حق شرط کردند موجب گردید تا کمیته حقوق بشر در اظهار نظر کلی شماره ۲۴ خود مورخ ۲ نوامبر ۱۹۹۴ در مورد حق شرط نسبت به میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین مقرر دارد: «آن بخش از مقررات میثاق که معرف قواعد عرفی بین‌المللی و به طریق اولی خصیصه عامه دارند نمی‌توانند موضوع حق شرط قرار گیرند...» متأسفانه امروزه انشاء حق شرط در مورد قواعد تعیین‌کننده اشکال مختلف کنترل بین‌المللی رو به افزایش است.

۳. اهم رویدادهای اخیر بین‌المللی و حقوق بین‌المللی بشر

در آستانه قرن بیست و یکم شاهد برخی رویدادهای بین‌المللی هستیم که ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با حقوق بین‌المللی بشر دارند. از جمله مهمترین آنها عبارتند از: مسأله عراق، مسأله افغانستان و مسأله کوزوو. در مورد عراق یکی مسأله منطقه امن و پرواز ممنوعه در داخل آن کشور و دیگری مسأله مداخله جهت سرنگونی رژیم آن کشور مطرح است.

در وضعیت خاص افغانستان ما شاهد تجلی بارز اشکال مختلف نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌باشیم. از جمله بدرفتاری نسبت به زنان و کودکان، بدرفتاری نسبت به اقوام مختلف، کشتارهای جمعی، گروگانگیری، قاچاق مواد مخدر و نقض مصونتهای دیپلماتیک. سیاست زمین سوخته طالبان از سوی شورای امنیت محکوم گردید و دبیرکل ملل متحد آن را نقض صریح حقوق بشر و عملی جنایتکارانه خواند. در بحران کوزوو چند مسأله پیش آمد که به نحوی منجر به نقض حقوق بشر و حقوق

حمایت از آنها، آن هم بدون مجوز شورای امنیت. در این قضیه می‌توان موارد نقض حقوق بشر را از سوی طرفین درگیر یعنی ناتو و دولت یوگسلاوی مورد مذاقه قرار داد.

۴. ارزیابی کلی

در آستانه قرن بیست و یکم حقوق بین‌الملل بشر به عنوان شاخه‌ای نورسته از درخت تنومند حقوق بین‌الملل به دلایلی که برشمرده شد دچار بحرانی سرنوشت‌ساز شده است.

در پایان برای یافتن نگرشی مثبت به آینده حقوق بشر در عرصه جهانی به سخنان کوفی عنان اشاره می‌کنیم:

«حقوق بشر جزئی از ما و ما جزئی از حقوق بشر هستیم. انسان و حقوق بشر لازم و ملزوم یکدیگر و یکی بدون دیگری مصداق نخواهد داشت. اگر حقوق بشر به‌طور صحیح درک شود و به‌طور منصفانه تقسیم گردد برای هیچ فرهنگی بیگانه نیست و برای کلیه ملل آشنا خواهد بود. این جهانشمول بودن حقوق بشر است که به آن اقتدار می‌بخشد و آن را توانمند می‌کند، تا از هر مرزی بگذرد، از هر مانعی عبور کند. هیچ‌گونه نمونه واحدی برای دموکراسی یا حقوق بشر و یا نماد فرهنگی برای همه جهان وجود ندارد، اما برای همه جهانیان باید دموکراسی، حقوق بشر و برخورداری از آزادی فرهنگی وجود داشته باشد.»

پیام دبیرکل سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان

به مناسبت روز ملل متحد ۲۴ اکتبر ۱۹۹۹

۲ آبان ماه ۱۳۷۸

روز ملل متحد امسال روز بخصوصی است. اخیراً جمعیت جهان از مرز ۶ میلیارد نفر

برای جشن گرفتن و در عین حال عاملی برای تفکر به‌شمار می‌آیند. این ارقام نشان دهنده آغاز فصلی جدید در تاریخ بشریت محسوب می‌شوند یعنی فصلی که در آن بیش از هر موقع دیگر همگی باید در سرنوشت مشترکی سهیم شویم. اینک زمانی است که به اقدامات انجام شده رسیدگی کنیم: به گذشته بنگریم و ببینیم چه به‌دست آورده‌ایم و در کجا ناکام بوده‌ایم و سپس به آینده بنگریم و فکر کنیم که چگونه می‌توانیم عصر جدید را نسبت به زمان گذشته بهتر سازیم.

بسیار تکان دهنده است وقتی به این نکته فکر کنیم که نیمی از جمعیت جهان در حالی وارد عصر جدید می‌شوند که در فقر مطلق بسر می‌برند، یعنی باید با درآمدی معادل ۲ دلار یا کمتر در روز زندگی کنند. این چیزی است که واقعاً بایستی در آن تغییر ایجاد کنیم.

همچنین این واقعیت که مردم بعضی از مناطق در معرض خشونت و وحشیگری قرار دارند مایه نگرانی است. قرن بیستم شاهد بیشترین جنایت در تاریخ بشر بوده است. ما باید مطمئن شویم قرن بیست و یکم دورانی صلح‌آمیزتر و انسانی‌تر باشد. تغییر آب و هوای جهان موجب نگرانی شده به‌نحوی که باعث تخریب خانه‌ها و از بین رفتن زندگی میلیون‌ها انسان می‌گردد. کنترل و اداره این روند ممکن است به‌عنوان بزرگترین چالش، پیش روی همگان قرار گیرد.

مردم در سراسر جهان به منظور مورد حمایت قرار گرفتن در برابر گرسنگی، امراض، خشونت و بلایای طبیعی و به‌طور کلی در هر جا که ملتها و مناطق مواجه با تکلیفی دشوار می‌شوند که به تنهایی از عهده آن بر نمی‌آیند، به سازمان ملل متحد متوسل می‌شوند. اما ما به تنهایی در سازمان ملل قادر به انجام کاری نیستیم. توان ما همان قدرت کشورهای عضو است، هنگامی که همگی موافق با اقدامی در راستای اجرای هدفی مطلوب باشند.

سال آینده رهبران کشورها در سراسر جهان برای شرکت در اجلاس هزاره مجمع عمومی به نیویورک خواهند آمد. ایشان چالش‌های آتی و اقدامات سازمان ملل، برای

مطمئن شوید رهبرانتان با عزمی راسخ برای اتخاذ تصمیماتی که منجر به زندگی بهتر برای همگی ما و فرزندانمان خواهد شد به نیویورک بیایند.
من روی تمامی شما حساب می‌کنم و از همگی سپاسگزارم.

دکتر سید علی اصغر کاظمی*

«سازمان ملل متحد در آستانهٔ قرن ۲۱»

در تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۳

مقدمه

نگاهی به تاریخ تحول حقوق و سازمانهای بین‌المللی نشان می‌دهد که معمولاً پس از هر جنگ خانمانسوز، سیاستمداران و حقوقدانان گرد هم آمدند و با تشکیل کنگره‌ها و کنفرانس‌ها درصدد اعادهٔ نظم و پیشگیری از به هم خوردن دوبارهٔ آن در رابطه میان دولت - ملت‌ها برآمدند. در واقع تمام تنشها و خصومتها و منازعات میان کشورها به یک تعبیر ناشی از ناسازگاری میان نظم سیاسی و نظم حقوقی و به هم خوردن توازن میان این دو مفهوم یا پدیده بوده است و تأسیس نهادها و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز همواره کوششی برای برقراری این تعادل و توازن بوده است.

در قرنی که گذشت (قرن ۲۰) روابط میان ملتها همواره بین دو نیروی متضاد تحت فشار بود: از یک سو نظام حقوقی حاکم بر روابط بین‌الملل مبتنی بر قانون و از سوی دیگر جو حاکم بر روابط سیاسی مبتنی بر قدرت نابرابر بین‌المللی.

آنچه امروزه ما در پایان قرن بیستم و در طلیعه قرن بیست و یکم و هزارهٔ سوم میلادی در دست داریم، میراث بسیار حجیم و پربهایی از اصول مدون، نهادها، قواعد، عهدنامه‌ها و قراردادهایی است که کوشش همهٔ آنها ایجاد نوعی توازن میان نظم حقوقی و نظم سیاسی بوده است.

دههٔ آخر قرن بیستم که به عنوان دههٔ حقوق بین‌الملل از طرف ملل متحد نامگذاری شده، نقطهٔ عطف کوششهای جهانی برای رسیدن به این هدف است.